

چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۹  
۲۱ شعبان ۱۴۴۱  
۱۵ آذر ۲۰۲۰  
شماره ۹۲۲۱  
ZENDegi@QUDSONLINE.IR



### یادداشت‌های چرخدار

annotation@qudsonline.ir  
عباسعلی سپاهی پونسی

### باران یکریز می‌بارید



رکاب‌زنان داشتیم از داروخانه به سمت خانه برمی‌گشتم که باران گرفت و مجبورم کرد در حاشیه خیابان پناه بگیرم. چند دقیقه بعد، زنی به سمت آمد: «من سواد ندارم از این کارت ۳۰ تومان هزار برای من برمی‌داری؟»

کارت را گرفتم و با آکراه به سمت عابر بانک رفتم. این آکراه به خاطر روبه‌رو شدنم با دستگاه عابر بانک بود. زن همچنان حرف می‌زد و از زندگی‌اش می‌گفت. که دخترش بچه‌دار شده است و چیزی ندارد... بلای بچه‌هاش در بیمارستان روانی بستری شده است و از هفت بچه‌اش و...

کارت زن، ۳۰ هزار تومان نداشت. دوباره درخواست دادم و این بار ۲۰ هزار تومان. باز هم جواب بی‌رحمانه خودپرداز این بود که کارت زن ۲۰ هزار تومان موجودی ندارد. از زن پرسیدم: «صلاً کارتتان پول دارد؟» و زن با تردید جواب داد: «کمی داشته» اما در کارتش ۱۰ هزار تومان هم نبود. کارت خودم را وارد دستگاه کردم و ۱۰ هزار تومان به زن دادم. بعد هم او را معرفی کردم به یکی از خیریه‌ها در حاشیه شهر: «فردا ساعت ۱۱ آنجا باشین. یکی از دوستام قرار است بسته‌های مواد غذایی بیابرد یک بسته‌اش را می‌دهیم به شما».

باران همچنان می‌بارید و من هنوز در پناه ساختمان بلندی بودم که از باران حفظم کرده بود. ۱۰ دقیقه‌ای گذشت، زن را دیدم با نایلونی که توی آن چند نان بود. صدایش زدم و دوباره برایش از خودپرداز پول گرفتم. حالا ششادی را می‌شد در چشم‌های غمگینش دید.

زن داشت دور می‌شد تا به نگاهش در حاشیه شهر برود در این شب‌هایی که حتی از اتوبوس هم خبری نیست و من می‌دانستم راه زن چقدر دور است. زن داشت دور می‌شد با چادری که لحظه به لحظه باران بیشتر خیسش می‌کرد و من همچنان در پناه دیوار بلند بودم تا باران کم نشود. با خودم فکر کردم هیچ‌کدام از کارهای دنیا بی‌حکمت نیست. حتی ایستادن من که از باران به سقفی پناه برده و مردد بودم که بمانم یا تا خانه رکاب بزنم. خوشحال بودم که سر راه زن قرار گرفته بودم اما تم دلم غمگین از این که فردا و فردا شبها زن حتماً باید باز هم از خانه بیرون برزند تا نانی برای بچه‌هایش فراهم کند در این روزهای سخت. زن رفته بود و صدایش با من بود که می‌گفت: «من توی خانه مردم کار می‌کنم. نظافت بلد اما الان کسی به من زنگ نمی‌زند چون این بیماری هست. ان‌شاءالله سالم باشی و به این بیماری گرفتار نشوی». باران ول کن نبود و یکریز می‌بارید...

### روزمره نگاری

### روی فرشته‌ها را زمین نمی‌اندازد



**رقیه توسلی:** رفیق فابریکی دارم. هزاران هزار با میهمانش شده‌ام توی بیمارستان. فرشته سیدپوش است. بس که در ایام پیش کرونا، همدیگر را می‌دیدیم. در لیست مخاطبان، اسم هم را «همان همیشه‌گی» ثبت کرده‌ام به شوخی.

حالا دیگر خودتان حسابش را بکنید در آشفته بازار این ویروس به چه پدیده‌ای تبدیل شدیم؟ با حجم دلهره‌ها و دوست داشتن‌هایم؟ بی‌توجه به تشرها و تمناهایش که مراعات کن؛ دو روز در میان به شمارش پیام می‌فرستم. رفیقم را که از سر راه پیدا نکرده‌ام.

امروز هم چنین می‌کنم. مدافع بانو چند ساعت بعد جوابم را می‌دهد که من خوبم ولی بیماری اینجا اوضاع بدی دارد. لطفاً هر چقدر عشق و دعا و انرژی که می‌خواستی بفرستی ستمت، بفرست برای او که روی تخت ۱۶ خوابیده. نوزادش ۱۴ روز بیشتر ندارد. توی دلم ناگهان گلوله‌های شلیک می‌شود انگار از اسلحه‌ای که صدا خفه کن دارد.

چشم بسته می‌دوم در خانه خدا... برای کسی که نمی‌شناسم نذر شله زرد و صلوات می‌کنم. پشت هم با الله، یسا فتاح، یا بصیر، یا حفیظ می‌خوانم... می‌گویم خدایا این مادر و فرزند در نجات بدم. دور مهربانی‌تان بگردم روی بنده‌ات را زمین نینداز.

اما هر چه زار می‌زنم احساس می‌کنم یک جای کار می‌لنگد. یا می‌شوم و خودم را متصل به «عزیز» می‌کنم. به او که هیچ دری با دعایش بسته نمی‌ماند برایم. سلطنت مادرانه می‌خوانم.

«عزیز» از توی گوشه‌ی خوب ورناندام می‌کند و با لیخند فقط می‌گوید: دلم برای چشم‌هایت تنگ شده پری جان! و من وسط هجوم بغض‌ها، عاشق اسم نازم می‌شوم و لعنت می‌فرستم به لشکر تا دندان مسلح کرونا و آزاریم.

**پی نوشت:** آخر «پری جان» که جور به مرز تولد و مرگ فکر کند... به «عزیز»... به مادر و نوزادش... به دخترک دوساله «شیما» که این روزها نه بابا دارد و نه مامان... و آن وقت پیازهای زرشک پلوش را جزغاله نکند؟

**پیامکی از بهشت:** ۱۱ شب برایم دو خط می‌نویسد...مشتی! حالا که اوضاع دلت این‌قدر خوب است ما را خیلی دریا، دریا، انگار معجزه ریخت روی تخت ۱۶. **اعتراف:** اسمی روی فرشته‌ها را زمین نمی‌اندازد.

گفت‌وگو با محمداسماعیل حاجی علیان به انگیزه انتشار «آتون نامه»

# روایتی جذاب از اسماعیل طلا و سقاخانه

## ورزش

نگاهی به نخستین مصاحبه و چالش‌های مدیرعامل جدید استقلال

### روایهای ۴۰ طبقه یک مدیر!

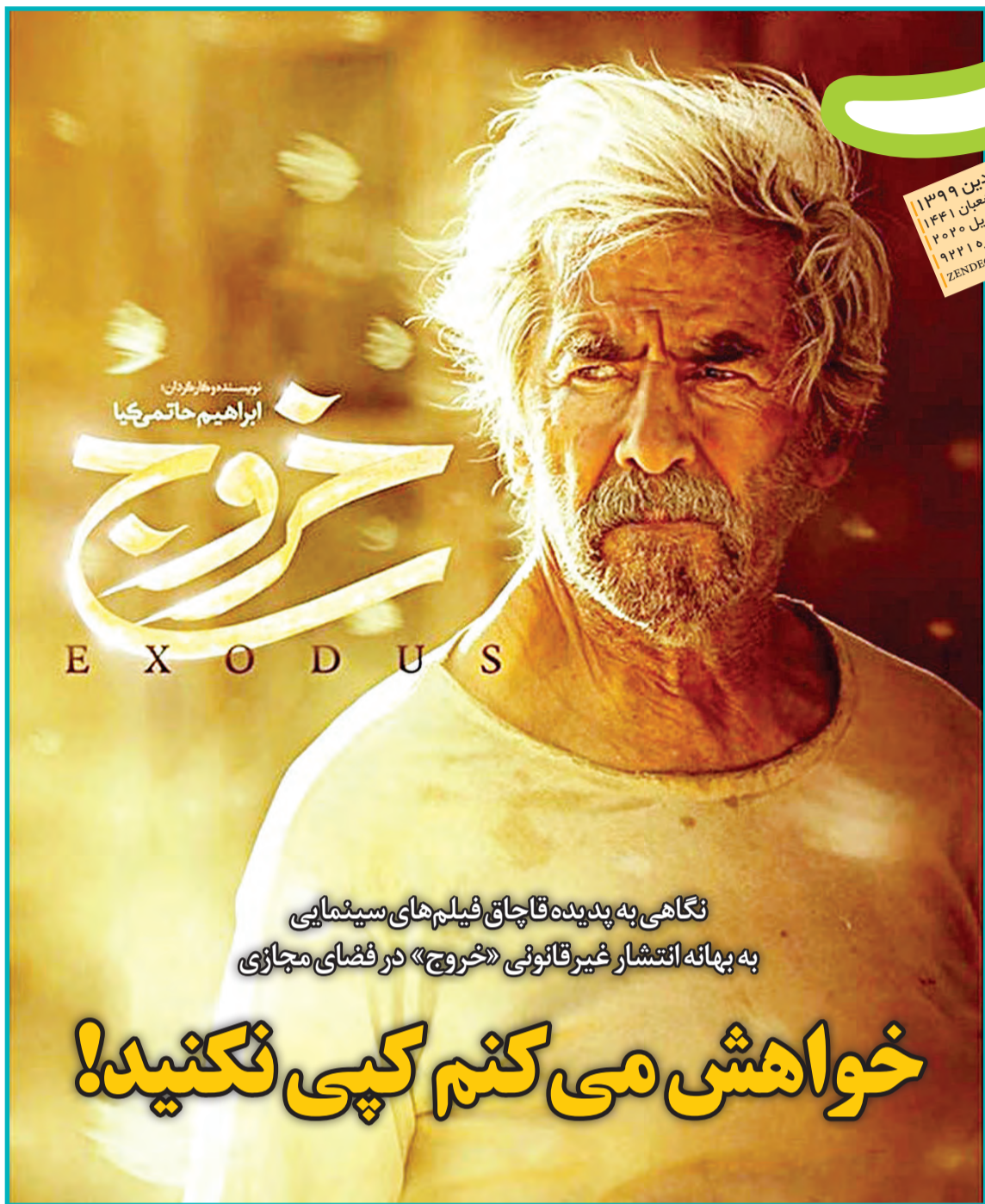
زینت حرف آخر را به ناپولی زد

### آزمون ۴۰ میلیون یورویی



فاصله در بالای جدول فقط یک امتیاز است

### خلعتبری: اولین نفر قراردادام را کم می‌کنم



نگاهی به پدیده قاجاق فیلم‌های سینمایی به بهانه انتشار غیرقانونی «خروج» در فضای مجازی

# خواهش می‌کنم کپی نکنید!

مختلف کشورمان منتشر شدند که شائبه حضور مافیایی در حوزه تکثیر و توزیع غیرقانونی فیلم‌های سینمایی ایجاد شد. با همت نیروی انتظامی و پیگیری‌های اهالی سینما و دستگیری چندین مرکز توزیع غیرقانونی دی وی دی و سی دی اما بساط این نوع از قاجاق هنری هم برچیده شد.

### گسترش قاجاق فیلم‌ها

همزمان با راه‌اندازی شبکه نمایش خانگی در کشورمان اما موج جدید قاجاق هنری آغاز شد. احتمالاً یادتان می‌آید که همزمان با توزیع نخستین سریال نمایش خانگی یعنی «قهوه تلخ» نسخه‌های غیرقانونی این سریال به صورت مخفیانه در کوچه و پس‌کوچه‌های سرتاسر کشورمان خرید و فروش می‌شد. موضوعی که تا همین امروز هم ادامه‌داشته است. البته امروز به واسطه عدم توانایی نظارت کامل نهادهای مسئول بر شبکه‌های اجتماعی، قاجاق فیلم

و سریال‌ها گسترش پیدا کرده است. چه فیلم‌های توقیف شده و جنجالی مثل رحمان ۱۴۰۰ و خانه پدری و چه فیلم‌های پرطرفداری مثل مترقی شیش و نیم و شبی که ماه کامل شد. تفاوت اصلی در نوع جدید قاجاق آثار هنری با انواع آن در گذشته اما اینجاست که به‌تازگی نسخه‌های فول آدی، با کیفیت و بدون سانسور فیلم‌ها به صورت قاجاق در شبکه‌های اجتماعی درز کرده است و اغلب هم به صورت رایگان و برای جذب مخاطب در صفحه‌های مجازی، در اختیار کاربران قرار گرفته است.

### مقصر چه کسی است؟

حالا پرسش اصلی اینجاست که این نسخه‌های با کیفیت و بدون حذفیات، چطور به صورت قاجاق در شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. بسیاری از اهالی سینما که در سال‌های اخیر فیلم‌هایشان قربانی انتشار غیرقانونی شده، انگشت اتهامشان را به سمت وزارت ارشاد گرفته‌اند و مدعی شده‌اند نسخه بدون سانسور فیلم‌شان را فقط وزارت ارشاد در اختیار داشته و احتمالاً واسطه‌ها یا تعدادی از کارمندان در انتشار آن نقش داشته‌اند. بخش دیگری از قربانیان قاجاق فیلم هم می‌گویند فیلمشان در مسیر رد و بدل شدن میان نهادهای مختلف، توسط یک فرد ناشناس درز پیدا کرده است.

اما موضوعی که اهمیت بیشتری از منبع درز کردن نسخه‌های اصلی فیلم دارد، زیرساختی است که بستر را برای قاجاقچیان آثار هنری فراهم می‌کند. اگر تا همین مدت‌ها پیش می‌توانستیم از طریق برخورد با عاملان انتشار دی وی دی‌های غیرقانونی و یا حتی فیلتر کردن سایت‌های انتشاردهنده نسخه‌های غیرقانونی فیلم، تا حدودی قاجاق فیلم سینمایی را محدود کنیم اما این روزها به واسطه پیشرفت تکنولوژی و فراگیری شبکه‌های اجتماعی، این امکان وجود ندارد. به همین خاطر است که کال‌های انتشاردهنده فیلم‌های غیرقانونی مثل قارج در فضای مجازی رشد می‌کنند و از طریق انتشار نسخه‌های رایگان و غیرقانونی فیلم‌ها و سانسور، موج دوم پدیده قاجاق آثار هنری اما همزمان با عدم صدور مجوز برای چند فیلم در کشورمان آغاز شد. فیلم‌هایی مثل «سنسنتوری» و «مارمولک» که حساسی

چندان به راه انداخته بودند، نمونه‌های معروف این دسته از فیلم‌های قاجاق شده به‌حساب می‌آیند. در روزهایی که تب قاجاق این دو فیلم بالا گرفته بود، می‌توانستید نسخه‌های غیرقانونی‌شان را در بساط هر دستفروشی پیدا کنید. نسخه‌های غیرقانونی مارمولک و سنسنتوری به همراه چندین فیلم دیگر آن قدر حساب شده و دقیق در نقاط

آن اضافه شد. این قانون حدود ۱۵۰ سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۶ منجر به شکل‌گیری «پیمان برن» در شهر برن سوئیس و در بین کشورهای پادشاهی شد. تا پیش از آن، حقوق قانونی یک اثر فقط در همان شهر یا کشور صاحب اثر، اعتبار داشت و در خارج از آن محدوده در صورت چاپ و یا تکثیر، هیچ اعتراضی قابل قبول نبود. اما پس از این پیمان، حق قانونی بر مالکیت یک اثر در تمام کشورهای تصویب شد و به این ترتیب نخستین قدم‌های جهانی شدن قانون کپی رایت برداشته شد.

مدتی بعد یعنی در سال ۱۹۵۲ پس از انبوهی از تغییرات، قانون کپی رایت تقریباً شکل امروزی خودش را پیدا کرد و از سوی بیشتر کشورهای جهان پذیرفته شد.

### قانون ۵۰ ساله

ماجرای در کشور خودمان اما کمی تا قسمتی پیچیده‌تر است. بر اساس تاریخچه‌ای که «برنا» منتشر کرده، ثبت قانون «حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» در ایران به دی ۱۳۴۸ برمی‌گردد. اگرچه قانون حق تکثیر و قانون ثبت علامت تجاری در سال ۱۳۰۴ به تصویب رسیده بود، اما پس از تصویب قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان بود که اصلی حقوقی به‌عنوان بدنه اصلی حق تکثیر در ایران تصویب شد. از زمان تصویب این قانون، بحث پیوستن به قانون جهانی کپی رایت و به رسمیت شناختن حقوق صاحبان آثار هنری به عنوان دغدغه‌های جدی از سوی برخی هنرمندان، مؤلفان و مصنفان در ایران مطرح بوده و هر چه فعالیت هنرمندان ما از مرزهای کشور فراتر رفته، دامنه این بحث هم گسترده‌تر شده اما هیچ وقت گامی برای پیوستن به این قانون جهانی برداشته نشده است. بسیاری از منتقدان هم معتقدند دلیل اصلی قاجاق گسترده آثار هنری در کشورمان همین موضوع است.

اگرچه این موضوع هم مورد انتقاد کارشناسان قرار گرفته که قانون کپی رایت داخلی ما، مربوط به سال ۲۸ است و اگرچه در سال ۸۹ بازنگری جزئی در آن صورت گرفته اما هیچ جوره نمی‌شود آن را یک قانون کامل و جامع برای حفظ حقوق مادی و معنوی صاحبان آثار هنری دانست.

### عدم بازگشت سرمایه

اولین و عمده‌ترین نتیجه نبود قانون درست و حساسی در زمینه حمایت از حقوق صاحبان آثار هنری، قاجاق آثار غیرقانونی آثار هنری، سخت‌گیری‌هایی که در بسیاری از موارد، زنان و جرمه‌های سنگین را برای خاتلین دنیال دارد. تمام این محدودیت‌ها در کنار هم قانونی را در خارج از مرزهای کشورمان وضع کرده‌اند که به «حق انتشار» یا **copy right** معروف شده است.

هدف اصلی قانون حق انتشار، حفاظت از زمان، تلاش و خلاقیت خالق کار است، به همین دلیل این قانون، حق انحصاری خاصی را شامل می‌شود. مثلاً توزیع نسخه‌های فروش، اجاره نامه یا انتقال مالکیت به دیگران، انجام کار به صورت عمومی، نمایش کار به صورت عمومی و آماده‌سازی کارهای مشتق شده (یعنی کارهای دیگر بر مبنای کار اصلی؛ مثلاً تبدیل یک رمان به فیلم).

### ۳۰۰ سال پیش

ایده تصویب چنین قانونی نخستین بار حدود ۳۰۰ سال پیش به ذهن انگلیسی‌ها رسید. آن زمان البته قانون کپی رایت به حقوق انحصاری چاپ کتاب‌ها محدود می‌شد. با گذر زمان اما محدودیت‌های دیگری مثل ترجمه هم به

### روایت مجازی

### روایت اول / تجربه اولین واکسن کرونا

تلاش برای تولید واکسن کرونا آن طور که همه متخصصان جهان می‌گویند، مدت‌هاست آغاز شده و به صورت یک رقابت علمی ادامه هم دارد. نخستین آزمایش انسانی واکسن هم مدتی پیش انجام شد و حالا «ویورک پست» حرف‌ها و احساس نخستین دریافت‌کننده



واکسن کرونا را منتشر کرده است.

«جنیفر هالر» زن ۴۴ ساله آمریکایی که صاحب دو فرزند و مدیر اجرایی یک شرکت فناوری است، به عنوان نخستین فرد سالم، داوطلب دریافت واکسن ویروس کرونا در آزمایش بالینی شده گفته است: «من نمی‌توانستم برای توقف شیوع این بیماری فراگیر در جهان انجام دهم. ولی آزمایش واکسن روی بدن خود را به عنوان یک فرصت دیدم... با انجام این آزمایش خطر بسیار زیادی در کمین من بود، ولی من فرد مثبت‌نگری هستم و فواید این آزمایش در ذهن من بسیار بیشتر از خطرات آن است... یک روز پس از دریافت واکسن کمی تب کردم. دوز دوم در بازویم که واکسن به آن تزریق شده بود، احساس درد شدید داشتم، ولی پس از آن همه چیز مانند دریافت واکسن آنفلوآنزا آسان بود».

قرار است جنیفر هالر و دیگر داوطلبان دریافت این واکسن، دوز دوم آن را هفته بعد دریافت کنند و تا بهار ۲۰۲۱ میلادی زیر نظر قرار بگیرند.

### روایت دوم / ارواح علیه کرونا

مسئولان هر کشوری برای مهار کرونا و خانه‌نشینی کردن مردم از روش‌های مختلفی استفاده می‌کند. مثلاً در اروپا با جریمه‌های سنگین یا پلیس هند با تنبیه بدنی و پوشیدن لباس‌هایی به شکل ویروس کووید ۱۹ مردم را وادار به خانه‌نشینی می‌کنند. اما مقام‌های



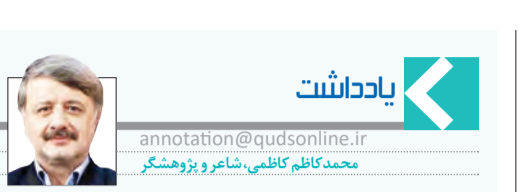
محلی منطقه‌ای در جزیره جاوه کشور اندونزی که مردمش ویروس کرونا را جدی نگرفته‌اند، برای نگر داشتن مردم در خانه از ارواح سرگردانی معروف به pocong کمک گرفته‌اند. این ارواح در واقع تعدادی از جوانان محلی هستند که با پوشیدن پارچه‌های سفید رنگ در خیابان‌ها ظاهر می‌شوند تا از این طریق افراد خاطی را وحشت زده کنند و مانع آمدن آن‌ها به بیرون شوند. مشکل اما اینجاست که خیلی‌ها برای دیدن ارواح هیجان دارند و به خیابان‌ها می‌آیند تا با آن‌ها روبه‌رو شوند!

### روایت سوم / منهای کرونا

حالا یک مورد که به کرونا ربط ندارد را بخوانید. ویدئویی که یک موجود عجیب سیاه رنگ را به تصویر می‌کشد تبدیل به ویدئویی داغ در فضای مجازی شده است. خیلی از کاربران با دیدن این فیلم که محل دقیق تهیه آن مشخص نشده آن را موجودی شبیه به موجودات بیگانه در فیلم‌های اسپایدرمن ۳ و «پنوم» دانستند و شکی ندارند که این موجود، یک موجود بیگانه یا موجودی ساخته دست بشر و ناشی از تغییرات ژنتیکی است. جالب اینکه یک روز پس از انتشار ویدئو، متخصصان و سایت‌های علمی اعلام کردند این موجود در واقع نوعی کرم روبانی، شاخه‌ای از کرم‌های بی‌مهره بوده است! کاربران خیال‌پرداز اما هنوز روی حرف خودشان هستند و این موجود را، موجودی بیگانه می‌دانند.







### آموزش فنون شاعری را در مدارس تعطیل کنید!

مدتی پیش کودک کلاس پنجمی ما شکایت داشت از اینکه معلمش چیزهای بسیار سختی به آن‌ها درس می‌دهد که در کتابشان نیست، وقتی دیدم که به آن‌ها چه یاد داده‌اند، حیرت کردم. وزن و قافیه و نکات سخت استوری، آن هم برای کودک کلاس پنجم که می‌باید آنچه از شعر بداند، شاعرانه نگریستن به پیرامون و به کار نداشتن خلاصیت و کشف و عاطفه و احساس است. تازه آن هم در صورتی که تمایل به شاعری داشته باشد. با همسرم به مدرسه رفتم نزد مدیر مدرسه و منتظر داشتم که اولیای دیگری نیز همین شکایت را داشته باشند. ولی با کمال تعجب دیدیم که مدیر مدرسه از رضایت عمومی دیگر اولیا صحبت می‌کرد، از اینکه کودکانی که چند سال پیش زیر دست همین معلم بوده‌اند، اکنون در کنکور موفق ترند. آنگاه فهمیدم که هدف نهایی از آموزش شعر در نظر بسیاری از متولیان نهادهای آموزشی ما چیست.

باز اخیراً به دلیلی، با یک متن آموزشی درباره آرایه‌های ادبی برخورد کردم که برای دانش آموزان و البته تجهیز آنان برای کنکور آماده شده بود. به واقع یک درس گفتار بود درباره «استعاره» و شیوه‌های شناخت انواع استعاره. در این درس گفتار حتی یک بار از «رموز زیبایی» یک استعاره صحبت نشده بود. در نظر کسی که آن درس را ارائه می‌کرد یک استعاره فرسوده بسیار کلیشه‌ای مثل کاربرد «گل» به جای «چهره» همان ارزش را داشت که یک استعاره نو و سرشار از خلاصیت، که البته در بین مثال‌های ایشان نبود. ولی در عوض تا بخواهید این درس گفتار، سرشار بود از «نکات» و «فنون» تشخیص انواع استعاره. چیزهایی که من با نزدیک به ۴۰سال شاعری هنوز ندیده‌ام.

حال برایم روشن می‌شود که چرا در متون و آزمون‌های نظام آموزشی، تکیه بر «نکات» و «فنون» است نه «زیبایی‌شناسی» و «هنرمندی». چون از نکات و فنون خیلی خوب می‌شود سؤال طرح کرد. به راحتی می‌شود سؤال امتحانی طرح کرد که «ارزان‌دیش» یا «ارزان‌خیال» اضافه استعارای است یا اضافه‌تشبیهی، استعاره منکنیه است یا استعاره مصرحه. ولی نمی‌توان سؤال طرح کرد که به راستی این «بال اندیشه» زیباتر است یا «ارن خیال» می‌شود سؤال امتحانی طرح کرد که «سکوت» با «سخاوت» قافیه می‌شود یا نه ولی نمی‌شود سؤال طرح کرد که به راستی چرا شعری که قافیه دارد، زیباتر است یا قافیه در مقابل چه دشواری‌هایی برای شاعر پدید می‌آورد؟

چنین است که در این نظام آموزشی «آزمون‌محور»، آنچه دانش‌آموز ما به خوبی فرامی‌گیرد، نکات و فنون تست‌زنی است و البته در این وضعیت، اولیا و مربیان هم حق دارند که مشتاق باشند همان معلم «کتابخانه» و «قافیه‌سنج» بر سر کار باشد و کودکانشان را برای موفقیت در عرصه خطیر کنکور تقویت و تجهیز کند. من در یادداشت قبل هم به ناکارآمد بودن و حتی بیفروده بودن بسیاری از چیزهایی که دانش‌آموزان و حتی دانش‌جویان ما درباره شعر یاد می‌گیرند اشاره کردم. ولی حس می‌کنم که این ناکارآمدی بر کسی پوشیده نیست، حتی برای مدیر مدرسه خودی که خود ما که آن‌ها را تعریف داشت. قفیه این است که «کلید موفقیت» در زمین روشن است و این چیزی است که باید بکوشیم تغییرش دهیم، هر کدام در حدی که می‌توانیم. همان‌گونه که از آسیب‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و امثال این‌ها به همدیگر هشدار می‌دهیم و در پی چاره‌جویی هستیم (که البته غالباً بنیستیم) از آسبایی که این شیوه آموزش به ذوق و احساس بلند جوان ما می‌زند و آنان را از هر چه شعر و شاعری است بیزار می‌کند نیز غافل نمانیم. یا آموزش فنون شاعری را در مدارس تعطیل کنیم و بگذاریم برای رشته‌های تخصصی دانشگاهی. یا بگذاریم به سمتی برویم که مسیر موفقیت، دناایی باشد و نه گذشتن از سد آزمون‌ها.

## خبر

### انتشار فراخوان شرکت

### در نهمین جشنواره کتاب‌خوانی رضوی



نهمین جشنواره کتاب‌خوانی رضوی توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و با همکاری بنیاد فرهنگی هنری بین‌المللی امام‌رضا (ع) و معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای اشاعه و ترویج فرهنگ منور رضوی، گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی و مطالعه کتاب‌های مرتبط با سیره پاک ائمه معصومین (ع) به‌ویژه حضرت امام‌رضا (ع)، حضرت معصومه (س) و حضرت احمدین موسی (ع) با بخش ویژه سیره حضرت ابن‌الرضا امام‌جواد (ع) (که طبق روال هر دوره با هدف افزوده شدن منابع مرتبط با سیره یکی از معصومین (ع) به جشنواره نهم اضافه شده) برگزار می‌شود. در فراخوان نهمین جشنواره کتاب‌خوانی رضوی، ۱۲ کتاب در سه رده سنی «کودک»، «وجوان» و «بزرگسال» معرفی شده که بر این اساس کتاب‌های «امام‌رضا (ع)» نوشته زهرا عبیدی ۱۳۸۹، «کیوترها و آوه‌ها» نوشته سیداحمد میرزاده از انتشارات به نشر ، «فاطمه و فاطمه» نوشته محمد مهاجرانی، «هشت قصه از امام جواد (ع)» نوشته حسین فتاحی، «راز آن بزرگ‌شگفت‌دانشانی براساس زندگی امام‌رضا (ع)» نوشته فریبا کلهر، «با کیوت‌های گنبد: سروده‌هایی درباره امام‌رضا (ع) برای نوجوانان» نوشته احمد میرزاده، «درختی که بال در آورد» داستان‌هایی از زندگی امام جواد (ع) نوشته مجید ملامحمدی معرفی شده است.

### باز خوانی ۶ داستان با صدای بهروز رضوی



محمدباقر رضایی، سردبیر برنامه «کتاب شیب» رادیو تهران با اعلام این خبر درباره جزئیات این داستان‌ها یادآور شد: این داستان‌ها، لطف‌ه‌های اصلی فیلم‌نامه‌های مشهوری بوده‌اند که براساس آن‌ها فیلم‌های ماندگاری در تاریخ سینمای جهان ساخته شده‌است. رضایی درباره جزئیات این داستان‌ها و چگونگی شنیدن آن‌ها توضیح داد: داستان کوتاه «در بارانداز»، اثر داب‌شولبرگ شنبه‌سی‌ام فروردین ماه، یکشنبه سی و یکم فروردین داستان کوتاه «فاطمی بی‌رمان» (یا شورش بی‌دلیل) اثر نیکلاری، دوشنبه یکم اردیبهشت داستان کوتاه «شرق بهشت»، اثر بل ژرژ آزرین، شنبه‌ی دوم اردیبهشت داستان کوتاه «گزارش زندگی کریستوفر بالسترو» اثر مکسول اندرسون، چهارشنبه سوم اردیبهشت داستان کوتاه «شاه‌های برای داستان»، پنجشنبه چهارم اردیبهشت داستان کوتاه «گره روی شیروانی‌ها»غ به ترتیب بازخوانی می‌شوند.

گفت‌وگو با محمداسماعیل حاجی‌علیان به انگیزه انتشار «آتون‌نامه»

# روایتی جذاب از اسماعیل طلا و سقاخانه



در این داستان تقریباً تالیفی از همه این اقتباس‌ها رقم خورد. در «آتون‌نامه» به اطلاعاتی از افراد خانواده پرداخته‌ایم، یعنی می‌دانیم اسم و بعضی ویژگی‌هایشان چیست، اما اینکه این افراد چگونه صحبت می‌کردند و یا چه مرواداتی داشته‌اند یا تلاش و دانش نویسنده حاصل می‌شود. اینجا یک «این‌همانی» بین نویسنده و شخصیت اتفاق می‌افتد و نویسنده خودش را در قالب شخصیت قرار می‌دهد و از زبان نویسنده آن حرف‌ها و اتفاقات رقم می‌خورد. پس در «آتون‌نامه» از اطلاعات تاریخی موفق استفاده شده و بقیه حرف‌ها زاده تخیل و تلاش نویسنده است.

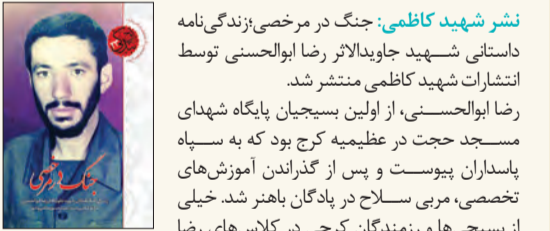
◆ **فرم نامه‌نگاری فرم جذابی برای نوشتن رمان است. ضمن اینکه باید بگوییم نامه‌نگاری از تسلیات تکنانگی با مباحث روان‌شناسی دارد، چرا که آدم‌ها موقع نوشتن نامه راحت‌تر می‌نویسند و خودشان را افشا می‌کنند. در این رمان به روان‌شناسی شخصیت‌ها در قالب نامه‌ها پرداخته‌اید؟**

ساختار این اثر ۱۰ نامه است که یکی از سنت‌های کهن بین عشاق است. یعنی عشاق طبق این رسم ۱۰ نامه بین هم رد و بدل می‌کردند. من از این ساختار برای نوشتن رمان استفاده کرده‌ام. نکاتی را هم به ساختار نامه‌ها برای جذابیت اثر استفاده کردم تا اثر خواندنی شود. استفاده از تکنیک نامه‌نگاری در رمان‌نویسی پیشتر استفاده شده، اما میزان موفقیت به قضاوت مخاطبان است. فاصله مکانی بین دو شخصیت، یعنی اسماعیل خان نامه‌نگاری را تسهیل می‌کند، چون در آن زمان راهی که بتواند با هم ارتباط داشته باشند، نامه‌نگاری بود. چون نامه‌ها به روایت اول شخص نوشته می‌شود و مکنونات درونی، آرزوها و خواسته‌های شخصیت در این اتفاق راحت‌تر منتقل و موجب همدات‌پنداری مخاطب با شخصیت رمان می‌شود

چون نامه‌ها به روایت اول شخص نوشته می‌شود و مکنونات درونی، آرزوها و خواسته‌های شخصیت در این اتفاق راحت‌تر منتقل و موجب همدات‌پنداری مخاطب با شخصیت رمان می‌شود

## تازه‌های نشر

### زندگی نامه خبره ترین مربی سلاح



رضا ابوالحسنی، از اولین بسیجیان پایگاه شهدای مسجد حجت در عظیمیه کرج بود که به سپاه پاسداران پیوست و پس از گذراندن آموزش‌های تخصصی، مربی سلاح در پادگان باهنر شد. خبری از بسیجی‌ها و رزمندگان کرجی در کلاس‌های رضا دوره آموزش سلاح را می‌دیدند و همگی آن‌ها می‌دانستند که او یکی از بهترین و خیره‌تری مربیان سلاح بود. با وجود ممنوعیت اعزام رضا به جبهه، او از هر فرصتی برای رفتن به منطقه استفاده می‌کرد و تقریباً تمام ایام مرخصی خود را در آنجا بود. شیوه رضا در آموزش نیروها، نقش‌آفرینی او در عملیات‌ها، قصه ازدواج، عشاقانه‌ها و رنج‌های همسر و نیز خاطرات مادر رضا از نوجوانی و البته روزهای سخت انتظار تا زمان تأیید خبر شهادت، از داستان‌های خواندنی این کتاب هستند.

صادق و محمدحسین عباسی، نویسندگان این کتاب، با گردآوری خاطرات شهید رضا ابوالحسنی و نگارش آن‌ها به شکل داستان‌های کوتاه، مجموعه‌ای زیبا و جذاب از زندگی این شهید را به تصویر کشیده‌اند.

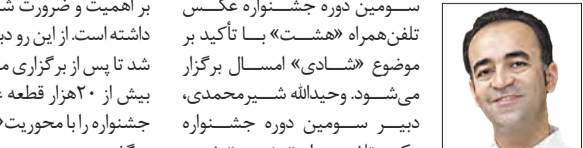
### هنرهای تجسمی

با شیوع بیماری کرونا صورت گرفت

## توجه سومین دوره جشنواره «هشت» به «همدلی اجتماعی»

داده، این فراخوان در سال جاری تا ۴ اردیبهشت ۹۹ تمدید شد. دست افراد با همراه آن‌ها وجود دارد، راحت‌تر می‌توانند از اتفاق‌های اطراف خود تصویر ثبت کنند، همچنین سوزنه نسبت به داشتن دوربین تخصصی عکس راحت‌تر و بدون هیچ‌گونه مشکلی ثبت می‌شود. همواره مکان‌های دوربین به دست هستند و لحظات مختلف را با دوربین خود ثبت می‌کنند، آن‌ها در همه شرایطی که سال‌های گذشته به‌ویژه سال ۹۸ رخ داد، همواره در صحنه بوده‌اند و آثار فآخری را خلق کرده‌اند.

جشنواره عکس تلفن‌همراه «هشت» از جمله رقابت‌های فرهنگی هنری مرتبط با جشنواره بین‌المللی امام‌رضاع) است و فراخوان سومین دوره آن در سال گذشته اعلام شد، اما به دلیل اتفاقات مختلفی که پشت سرهم و مستمر رخ



سومین دوره جشنواره عکس تلفن همراه «هشت» با تأکید بر موضوع «شادی» - اسمال برگرزاد می‌شود. وحیدالله شیرمحمدی، دبیر سومین دوره جشنواره عکس تلفن‌همراه «هشت» ضمن بیان مطالب فوق با بیان اینکه آخرین مهلت ارسال آثار به این فراخوان از ۴ اردیبهشت ماه سال جاری عنوان کرد، از افزودن بخش ویژه «همدلی اجتماعی» با شیوع بیماری کرونا خبر داد.

◆ **در باره چنین شخصیت‌هایی اطلاعات مستند و موقّق تاریخی کمی یافت می‌شود، نسبت و تعادل تخیل و واقعیت در این رمان چگونه‌است؟**

می‌شود گفت ۹۰درصد این کار تخیل و ۱۰درصد هم اسناد است. با این توضیح که ما در درس‌های داستان‌نویسی می‌گوییم همیشه طرح، ایده و سوزۀ نیاز به پژوهش جدی دارد. این پژوهش چه می‌آید لطیب و طاهر باشد تا زائران بتوانند بنویسند کار داستانتان می‌آید و آن وقت می‌توانید مثل یک نخ تسبیح روایت را دور هم بچینید. این امر آموزش داندنی نیست، بلکه ذات یک فرد می‌شود. مثل آدم‌های زیادی که درگیر یک واقعه مشترک می‌شوند و هر یک می‌خواهند آن را روایت کنند. بین این‌ها فقط چند نفر هستند که قصه‌گویی خوبی هستند و آن‌قدر واقعه را به خوبی تعریف می‌کنند که بقیه روایان هم بر همان روایت استناد می‌کنند و می‌گویند: «روایت ما همین است».

این مسئله یک رمز ذاتی است و آن بخشی از داستان‌نویسی که ذاتی است‌نویسنده است همین بخش ماجراست، یعنی قصه‌گویی، نویسنده به اندازه‌ای می‌تواند در اثر تاریخی تخیل کند که روح کلی اثر را از بین نبرد. با این مقدمه باید بگوییم اقتباس چندگونه دارد. بعضی‌ها از شخصیت یک اثر می‌توانند اقتباس کنند، مثلاً شخصیت یک نفر را بیاورند در یک داستان دیگر با یک ماجرا را بیاورند در داستانی دیگر و برای افراد دیگری ماجرا را رقم بزنند. یک گونه دیگر اقتباس هم این است که از تم و روحی که در اثر است، اقتباس کنند.

و به همین دلایل این قالب را برای ساختار این رمان استفاده کردم.

◆ **با توجه به تجربه شما در نوشتن این کتاب، لطفاً بگویید ظرفیت تاریخ، تمدن و فرهنگ ما برای ارائه شخصیت‌های تاریخی مثل اسماعیل‌خان در قالب رمان چگونه است؟**

شخصیت‌های زیادی هستند که تأثیرگذار بوده‌اند اما کمتر درباره آن‌ها کار شده‌است. سابقه و حضور ذهن تاریخی ما خیلی کم شده، به این خاطر که این افراد به خوبی معرفی نشده‌اند و شخصیتشان برای مردم بازروبایی نشده‌است. در تاریخ اشاراتی به شخصیت‌ها شده، اما در این زمانه کمتر کسی کتاب تاریخی می‌خواند. هرچند این کار مهم و خوبی است، اما امروزه انکار باید همه ما همه چیز را خلاصه و مختصر بفهمیم و یاد بگیریم. در صورتی که بدون ذره شکافی نمی‌توان به اصل مطلب پرداخت. ما فقط به کلیات می‌پردازیم و این شخصیت‌ها و اتفاقات مهم تاریخی فقط به صورت یک هاله در فرهنگ ما بازروبایی شده‌اند. جزئیات مهم و سرنوشت‌ساز تاریخی در رمان‌ها غایب هستند مثلاً ما در «آتون‌نامه» به اولین مواجهه ایرانی‌ها با علوم جدید از طریق آموزش مستشاران پرداختیم. ما در آن دوره برای اولین بار با سپاهی با یک نظم اروپایی برخورد می‌کنیم، چون مدرسان اروپایی و فرانسوی افراد نظامی ما را آموزش می‌دهند. تفاوت‌های جنگ امروز و آن موقع در کتاب دیده می‌شود و به این ارتباطات و جزئیات هم در «آتون‌نامه» پرداخته شده‌است.

◆ **در مصاحبه‌ای گفته بودید دوست دارید سرّوح فرهنگ خودمان باشید و بعضی نویسندگان مثل مارکز را هم مثال زده بودید. آیا هنگام نوشتن این رمان به فکر ترجمه‌پذیر بودن آن هم فکر کرده‌اید؟**

در این اثر به واسطه تلاقی فرهنگ و ارتباطاتی که در آن زمان وجود داشته، به نظریات دیگران نسبت به ما و نظرات ما درباره دیگران و این نوع اتفاقات هم پرداخته شده و یکی از گزینه‌های ترجمه همین مسئله می‌تواند باشد. رمان چون فرهنگ ایرانی را در مقابل با فرهنگ اروپایی معرفی می‌کند و برعکس، قابلیت ترجمه را دارد. کسی که اسماعیل‌خان پیش از آموزش می‌بیند، فردی فرانسوی است. ارتباطاتی که این نغزات با هم دارند در رمان به آن پرداخته شده و این هم‌نشینی و آموزش گرفتن و حتی نگاه استعماری که آن‌ها داشته‌اند، در رمان مورد توجه بوده است.

◆ **رمان در همین ایام گرونیایی منتشر شد؟ بله. رمان اسفندنامه و در اوج بحران کرونا منتشر شد. در کتاب‌فروشی‌های سوره مهر پخش شده، اما در سایر کتاب‌فروشی‌ها پخش نشده و برای همین هنوز بازخورد چندانی از مخاطب دریافت نکرده‌ام. البته ممکن است هفته آینده نسخه دیجیتالی کتاب توسط ناشر منتشر شود.**

◆ **دوست دارید مخاطب بر چه وجهی از اثر توجه بیشتری کند؟ «آتون‌نامه» ادای دینی به همه مدارن و خواهرانی است که حاصل زندگی، فرهنگ و تربیت آن‌ها مردان بزرگی است که در تاریخ نقش آفرینی می‌کنند. خوشحال می‌شوم مردم عزیزمان این رمان را بخوانند تا اگر فضایی برای ادای دین ایجاد شده، به ثمر بنشیند.**

### آدم‌های معمولی که حماسه می‌آفرینند



داستان این کتاب در رابطه با اتفاقات حماسی در تاریخ ایران است، یکی از افسران قاجار سعی می‌کند از مرزهای شرقی کشور دفاع کند تا کشور ایران تجزیه و کشور افغانستان تشکیل نشود، اما متأسفانه این افسر شجاع مورد حمایت حکومت قاجار نمی‌گردد بنابراین بر ضد حکومت مقابله می‌کند تا بتواند کشور را حفظ کند.

سجاد خالقی درباره این رمان گفته است: نیاز نیست همه شخصیت‌هایی که می‌توانند حماسه خلق کنند قدرتی خاص داشته باشند، قهرمانان این کتاب آدم‌های معمولی هستند، از جمله یک نانوا، یک مرد کشاورز و یک زن خانه‌دار، اما زمانی که لازم است حماسه خلق کنند پای کار می‌آیند و برای کشور حماسه می‌آفرینند.

گفتنی است، «مردهای مرز شرقی» رتبه نخست جایزه داستان‌های حماسی کشور را در اسفندماه ۱۳۹۸ از آن خود کرد.

این رمان به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

